ضرورت عبور از اختلافات در جهان اسلام



تحولات امنیتی و سیاسی منطقه بار دیگر مسئله همکاری کشورهای اسلامی و ضرورت کاهش وابستگی به ترتیبات امنیتی خارج از منطقه را در کانون توجه قرار داده است. استقبال جنبش اخوان‌المسلمین از نشست مشترک کشورهای عضو توافق‌نامه دفاع مشترک مکه و جمهوری اسلامی ایران در تهران، از این منظر قابل توجه است که فراتر از یک موضع‌گیری سیاسی، بر ضرورت شکل‌گیری اراده‌ای منطقه‌ای برای مدیریت مسائل امنیتی و تعیین سرنوشت کشورهای اسلامی تأکید دارد.

در بیانیه اخوان‌المسلمین، برگزاری این نشست اقدامی در مسیر تقویت استقلال تصمیم‌گیری منطقه‌ای ارزیابی شده است؛ رویکردی که بر اساس آن، کشورهای منطقه باید به‌جای قرار گرفتن در چارچوب محاسبات قدرت‌های خارجی، از ظرفیت‌های سیاسی، امنیتی و دیپلماتیک خود برای مدیریت اختلافات و مواجهه با تهدیدهای مشترک استفاده کنند. اهمیت این موضع زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم بخش قابل توجهی از بحران‌های منطقه‌ای، علاوه بر ریشه‌های داخلی و تاریخی، تحت تأثیر رقابت‌های فرامنطقه‌ای و مداخلات قدرت‌های بیرونی نیز تشدید شده‌اند.

از این منظر، مسئله اصلی صرفاً ایجاد یک سازوکار دفاعی یا برگزاری نشست‌های مشترک نیست؛ بلکه دستیابی به درکی مشترک از امنیت منطقه‌ای است. چنین درکی مستلزم آن است که امنیت هیچ کشوری در تعارض با امنیت دیگر کشورهای منطقه تعریف نشود و همکاری‌های دفاعی نیز به ابزاری برای تشدید رقابت‌های سیاسی و نظامی تبدیل نگردد. بدون شکل‌گیری این مبنا، حتی توافق‌های رسمی و سازوکارهای مشترک نیز در برابر اختلافات سیاسی و تغییر موازنه‌های قدرت آسیب‌پذیر خواهند بود.

نکته مهم دیگر در موضع‌گیری اخوان‌المسلمین، تأکید هم‌زمان بر گفت‌وگو میان جریان‌ها و گروه‌های اسلامی و پرهیز از درگیری‌های داخلی است. این تأکید نشان می‌دهد که از نگاه این جنبش، تقویت همکاری‌های منطقه‌ای بدون کاهش تنش‌های درون جهان اسلام امکان‌پذیر نیست. اختلافات مذهبی، سیاسی و ایدئولوژیک، هرگاه به منازعه و تقابل تبدیل شوند، ظرفیت جمعی کشورهای اسلامی را تضعیف می‌کنند و زمینه بهره‌برداری بازیگران خارجی از شکاف‌های موجود را فراهم می‌سازند.

همچنین استقبال پیشین اخوان‌المسلمین از توافق‌نامه دفاع مشترک میان عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان و استقبال کنونی آن از نشست تهران، از یک جهت قابل تأمل است: این جنبش در هر دو موضع، بر گسترش همکاری میان کشورهای اسلامی تأکید کرده است. چنین رویکردی را می‌توان نشانه‌ای از اهمیت یافتن ظرفیت‌های همکاری فراتر از دسته‌بندی‌های سیاسی موجود دانست؛ هرچند تبدیل این مواضع به یک چارچوب پایدار همکاری، نیازمند توافق بر اصول مشترک، اعتمادسازی متقابل و پذیرش تفاوت منافع و دیدگاه‌های کشورهاست.

در این میان، جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و نقش خود در معادلات منطقه، می‌تواند در پیشبرد گفت‌وگوهای امنیتی میان کشورهای اسلامی نقش‌آفرینی کند. البته تحقق این ظرفیت، مستلزم آن است که همکاری منطقه‌ای بر پایه احترام متقابل، منافع مشترک، اصل عدم مداخله و پرهیز از نگاه‌های یک‌جانبه دنبال شود. امنیت پایدار زمانی شکل می‌گیرد که کشورهای منطقه، با وجود تفاوت در نظام‌های سیاسی و رویکردهای مذهبی، امکان گفت‌وگو و همکاری درباره مسائل مشترک را حفظ کنند.

از منظر تقریب مذاهب اسلامی نیز این تحولات واجد اهمیت است. تقریب زمانی می‌تواند از سطح مباحث نظری و مناسبات علمی فراتر رود که در عرصه روابط میان جوامع و دولت‌های اسلامی نیز به تقویت فرهنگ همزیستی، کاهش سوءتفاهم‌ها و مدیریت اختلافات کمک کند. به بیان دیگر، همکاری امنیتی و سیاسی میان کشورهای اسلامی، اگر بر مبنای احترام به تنوع مذهبی و پرهیز از فرقه‌گرایی شکل بگیرد، می‌تواند

یکی از زمینه‌های عملی تحقق وحدت اسلامی باشد.

مسئله امروز جهان اسلام، نادیده گرفتن اختلافات نیست؛ بلکه یافتن سازوکارهایی برای جلوگیری از تبدیل اختلاف به بحران و منازعه است. استقبال از گفت‌وگوهای منطقه‌ای، از جمله نشست تهران، هنگامی اهمیت راهبردی پیدا می‌کند که به روندی مستمر برای اعتمادسازی، همکاری و شکل‌گیری مسئولیت مشترک در قبال امنیت منطقه تبدیل شود. استقلال تصمیم‌گیری منطقه‌ای نیز نه با صدور بیانیه، بلکه با ایجاد چنین سازوکارهایی و اراده عملی برای حفظ منافع مشترک کشورهای اسلامی تحقق خواهد یافت.